

## حق آزادی اجتماعات (مبانی، مفهوم و محدوددها)

بازمحمد آموزگار\*

چکیده

حق آزادی اجتماعات علاوه بر این که مانند سایر حقوق مدنی و سیاسی یکی از حقوق ذاتی غیر قابل سلب هر فرد بشری است، این حق مجرای مشروعی برای مطالبه سایر حقوق بشر نیز می‌باشد؛ زیرا پرداختن به این موضوع از یک طرف زمینه آگاهی شهروندان را در خصوص این حق مساعد می‌سازد و از جانب دیگر ابزاری است که شهروندان را قادر می‌سازد تا دولت‌ها را در راستای تأمین سایر حقوق و آزادی‌های شهروندان مجبور به پاسخ‌گویی نماید. به این خاطر، پرداختن به این حقوق از اهمیت زیاد برخوردار بوده و نیازمند تحقیق بیش‌تر و عمیق‌تر می‌باشد.

بررسی این آزادی مبتنی بر قوانین افغانستان موضوعی است که تا حال کم‌تر به آن پرداخته شده است. چون تحقیقاتی که تا کنون در این زمینه انجام شده است، بیش‌تر مبتنی بر نظام بین‌المللی حقوق بشر و سیستم حقوقی کشورهای دیگر بوده است؛ بنابراین، هدف از این تحقیق، بررسی مختصر مفاهیم، مبانی و محدوددهای آزادی اجتماعات در روشنائی اسناد بین‌المللی حقوق بشر و سیستم

\* آمر بخش آموزش حقوق بشر در دفتر ساحوی کابل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

حقوقی افغانستان می‌باشد که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: آزادی اجتماعات، حقوق بشر، اسناد بین‌المللی حقوق بشر،

قوانین ملی.

## مقدمه

در میان سایر موضوعات اجتماعی و سیاسی، آزادی یکی از مباحث بحث‌برانگیز و دارای اهمیت ویژه می‌باشد. به گفته منتسکیو هیچ کلمه‌ای در تاریخ به اندازه آزادی ذهن بشر را به خود مشغول نداشته است. آزادی به افراد جامعه این فرصت را می‌دهد که خواست‌ها و نظرات خود را آن گونه که می‌خواهند، مطرح سازند. به این دلیل می‌توان آزادی را روشن‌ترین خط فاصل میان انسان و حیوان دانست.

یکی از آزادی‌های مهم که هر فرد به حیث انسان باید از آن بهره‌مند گردد، آزادی اجتماعات می‌باشد. آزادی اجتماعات از جمله حقوق طبیعی انسان است که به شهروندان توانایی می‌بخشد تا گردهم آمده و به صورت جمعی نیازها و منافع مشترکشان، اعم از مسائل و موضوعات سیاسی، مذهبی، اعتقادی، اقتصادی، شغلی، اجتماعی و ورزشی، فرهنگی یا حرفه‌ای را در مقابل قدرت‌های سیاسی به صورت مستقیم و بدون واسطه مطرح نمایند و از آنها دفاع کنند. راه‌اندازی تظاهرات و گردهمایی گروهی، روشن‌ترین مظهر دسترسی مردم به حق آزادی اجتماعات است. علاوه بر آن، میزان توجه و احترام از جانب دولت به این حق شاخصی است که می‌توانیم دموکراتیک بودن نظام‌های سیاسی را با آن سنجش نماییم.

با وجودی که حق آزادی اجتماعات در اسناد بین‌المللی؛ مانند ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۵ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، ماده ۱۶ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی، منشور افریقایی حقوق بشر و مردم به‌عنوان حق بشری به رسمیت شناخته شده است؛ اما به نظر می‌رسد که تبیین و تفسیر مفهوم آزادی اجتماعات و مؤلفه‌های محدودکننده آن به قوانین داخلی کشورها واگذار شده است. به این خاطر است که در نوشته‌های مختلف در مورد آزادی اجتماعات به‌طور پراکنده و عمومی اشاره شده است.

بنابراین، ضرورت است تا مفهوم و مؤلفه‌های تحدیدکننده آزادی اجتماعات مبتنی بر قوانین نافذ کشور افغانستان در مطابقت با قوانین بین‌المللی حقوق بشر بررسی شود. به این ترتیب، مطالب اصلی این مقاله به‌صورت چهار سؤال زیر مطرح شده و در روشنایی اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قوانین نافذ افغانستان به آن‌ها پاسخ داده شده است:

۱. حق آزادی اجتماعات چیست؟
۲. مؤلفه‌ها و عناصر اساسی آزادی اجتماعات کدام‌اند؟
۳. چه ضمانت‌های حقوقی و قانونی برای حمایت از آزادی اجتماعات وجود دارد؟
۴. مؤلفه‌های محدودکننده آزادی اجتماعات کدام‌اند؟

## ۱. مفاهیم

### ۱-۱. مفهوم آزادی اجتماعات

برای درک بهتر آزادی اجتماعات به‌عنوان یک حق بشری، لازم است تا ابتدا مفاهیم آزادی و اجتماعات را به‌صورت جداگانه تعریف نموده و بعد به تعریف این مهم بپردازیم.

#### ۱-۱-۱. مفهوم آزادی

برای واژه آزادی تعاریف متعددی ارائه شده است که در این جا به بخشی از این تعاریف می‌پردازیم.

آزادی در فرهنگ سخن، رها بودن از قید و بند، نبودن مانع یا مزاحم برای انجام کاری، حق اقدام و انتخاب بدون فشار و دخالت دیگران تعریف شده است (انوری، ۱۳۸۲: ۳۱).

اعلامیه حقوق بشر فرانسه (مصوب سال ۱۷۸۹) آزادی را به‌معنای توانایی بر انجام کاری که به دیگران زیان نرساند، تفسیر می‌کند (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۱۸۸).

در یک تعریف ساده و قابل فهم برای همه، آزادی چنین تعریف شده است: آزادی عبارت است از این که شخص اختیار انجام دادن هرکاری را داشته باشد؛ مشروط براین که ضرر به دیگری نرسد. این شرط که آزادی هرکس را در مقابل دیگری محدود می‌سازد، مبین حدود آزادی اشخاص در قوانین موضوعه‌اند (مدنی، ۱۳۷۳: ۷۶).

در یک تعریف دیگر، آزادی به دو نوع منفی و مثبت تقسیم می‌گردد. آزادی در مفهوم منفی به معنای رهایی از قید و بند و نبودن هیچ‌گونه مانعی بر سر راه تحقق حقوق بشر می‌باشد؛ اما آزادی مثبت به این معنا است که انسان بتواند در زندگی خویش به منابع و امکانات به صورت عادلانه دسترسی داشته و از آن بهره‌مند شود؛ یعنی اولاً برای تحقق آزادی انسان‌ها هیچ مانعی نباشد و دوم این‌که همه شهروندان فرصت مساوی برای ابراز آزادی خود را نیز داشته باشند (روزنامه افغانستان: [http://dailyafghanistan.com/opinion\\_detail.php?post\\_id=128494](http://dailyafghanistan.com/opinion_detail.php?post_id=128494)) و برای مطالبات و خواست‌های مشترک‌شان بتوانند اجتماعات را تشکیل دهند و یا تظاهرات نمایند. با توجه به این تعریف، آزادی اجتماعات از جمله آزادی‌های منفی است که با عدم مداخله دولت محقق می‌شود. اما تنها عدم مداخله دولت کافی نیست؛ بلکه دولت مکلف است که آزادی مزبور را تضمین نماید و نگذارد گروه‌های مخالف مانع اجرای آن شوند یا محل‌های مناسبی برای اجتماع تدارک نماید. از همین منظر است که آزادی اجتماعات را در کنار آزادی بیان، مطبوعات، مذهب و وجدان جزء آزادی‌های مدنی کلاسیک می‌دانند (اسلامی، ۱۳۹۴: ۴۹).

از مجموع تعاریف فوق به این نکته می‌رسیم که آزادی جزء حقوق و جوهره ذاتی بشر است که با نبود موانع و محدودیت‌ها و یا مداخله‌های تحدیدی و هم‌چنان اعمال آگاهانه اراده انسان محقق می‌شود.

## ۲-۱-۱. مفهوم اجتماعات

تجمعات، تظاهرات یا مجامع مسالمت‌آمیز، واژه‌هایی‌اند که برای رساندن مفهوم آزادی اجتماعات به کار می‌رود؛ اما در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مفهوم آزادی اجتماعات از واژه لاتین (Assembly) استفاده شده است که معادل آن در زبان فارسی مجمع است.

اجتماعات به گردهمایی‌هایی اطلاق می‌شود که گروهی از افراد برای تبادل نظر و یا طرح مشکلات اجتماعی و سیاسی‌شان و یا اعلام مواضع و دفاع از اهداف و منافع مشترک‌شان، برای مدت کوتاهی، در مکان و زمان معینی به صورت محفل و مجلسی گردهم جمع می‌شوند. اگر این اجتماع، در یک حرکت نمایشی برای جلب توجه حکومت و مردم در معابر و جاده‌های عمومی انجام شود، نام تظاهرات را به خود می‌گیرد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۱۹). مطابق این تعریف،



آزادی اجتماعات به صورت شکلی به مجامع و تظاهرات تقسیم‌بندی می‌گردد که این دو بارزترین مصادیق آزادی اجتماعات نیز به حساب می‌آیند. تفاوت عمده این دو مهم در روش رسیدن به اهداف است؛ یعنی در مجامع افراد به دنبال هماهنگی و تبادل نظر در موضوع مورد مناقشه هستند؛ ولی در تظاهرات افراد به دنبال نشان‌دادن، بیان و اعلام مواضع و اعتراضات خود هستند (اسلامی، ۱۳۹۴: ۳۴).

یا به تعریف دیگر، تجمع در حال حرکت افراد در معابر عمومی را راهپیمایی گویند (اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۴).

به طور کلی، اشکال مختلف مجامع مسالمت‌آمیز (اجتماعات موقتی) یکی از این چند صورت است:

۱. در مکان‌های سر بسته یا در مکان‌های روباز؛
  ۲. در اماکن خصوصی یا در اماکن عمومی؛
  ۳. به صورت ثابت (بی حرکت) یا به صورت متحرک (راهپیمایی) (اسلامی، ۱۳۹۴: ۵۳).
- زمانی که گروهی از افراد در یک مکان سر بسته و یا مکان باز، مکان خصوصی و یا مکان عمومی، به صورت ثابت و بدون حرکت تجمع نمایند، به این گردهمایی آن‌ها عنوان مجامع، تجمع و اجتماع صدق می‌نماید و در صورتی که اجتماع این افراد متحرک باشد، واژه راهپیمایی برای آن استفاده می‌شود. به این ترتیب، گردهمایی و اجتماع افراد، چه به صورت ثابت باشد و یا به صورت متحرک، از مصادیق صریح آزادی اجتماعات می‌باشد.

اجتماعات، استعداد همایش افراد را به کار می‌اندازد. افراد با راه‌اندازی اجتماعات و ائتلاف خود، نوعی قدرت جمعی را خلق می‌کنند که به آن‌ها کمک می‌نماید تا در جهت دفاع از منافع خود تدابیر شایسته‌ای را اتخاذ نمایند و از این طریق بتوانند توجه حکومت را بر مسائل و مشکلات موجوده جلب نموده و افکار عامه را نسبت به موضوع نیز حساس بسازند؛ بنابراین، اجتماعات یکی از حقوق ذاتی افراد بشر بوده و باید توسط قدرت‌های سیاسی رعایت و احترام شود. اجتماعات و تظاهرات یکی از مظاهر بارز دموکراسی است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۲۰)؛ یعنی میزان احترام و توجه حکومت‌ها به حق آزادی اجتماعات شهروندان، بیانگر دموکراتیک بودن نظام است. چون اجتماعات به مردم فرصت می‌دهد تا با حضور مستقیم خود در صحنه، حکومت‌ها را

از رفتن به سوی دیکتاتوری جلوگیری نمایند؛ بنابراین، حرکت جمعی دارای فواید زیر می‌باشد:

۱. مسائل و مشکلات مردم به وسیله خود مردم مستقیماً عنوان می‌شود و منبع اطلاعاتی موجهی برای هیأت حاکمه خواهد بود که وظایف و خدمات خود را با در نظر گرفتن این اطلاعات در جهت منافع و نیازهای مردم تنظیم نمایند.
۲. حضور مردم در صحنه و بیان مطالب، وسیله مناسبی برای ارزیابی هیأت حاکمه می‌باشد.
۳. به عنوان یک قدرت مهارکننده، علیه گرایش دولت به دیکتاتوری، به شمار می‌رود و بدین وسیله سلامت حکومت بیش تر تأمین می‌گردد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۲۰).

### ۳-۱-۱. مفهوم آزادی اجتماعات

با توجه به توضیحاتی که در زمینه دو مفهوم فوق ارائه گردید، آزادی اجتماعات و مظاهرات از جمله مهم ترین حقوق بشر است و در جوامع دموکراتیک از ارزش خاصی برخوردار می‌باشد. به این خاطر، دانشمندان به این حق شهروندان سلاح مدنی هم گفته‌اند (انسان دوست، ۱۳۹۳: ۹۱)؛ چون حق آزادی اجتماعات یکی از روش‌ها و ابزارها است که به شهروندان توانایی می‌بخشد تا در حیات اجتماعی سهم شده و از این مجرا مسئولین نظام‌های سیاسی را مجبور به پاسخ‌گویی نمایند. برای آزادی اجتماعات تعاریف گوناگون ارائه گردیده است که در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

اجتماعات همایش موقتی افرادی است که به منظور تبادل اندیشه‌ها و نظرات یا به منظور هماهنگی برای دفاع از منافع مشترک تشکیل می‌شود و تظاهرات آزادی است که بر اساس آن افراد از این طریق مطالبات و اعتراضات خود را در مقابل قدرت عمومی ابراز می‌کنند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۲۱).

آزادی اجتماعات عمومی عبارت است از این که افراد بتوانند برای تبادل افکار و یا دفاع از منافع خود، در اجتماعی مانند سخنرانی، نشست، مارش (راهپیمایی) و تظاهرات خیابانی که برای این منظور از طرف اشخاص معین ترتیب داده می‌شود، آزادانه شرکت کنند. باید توجه کرد که اجتماع عمومی یک اجتماع موقت بوده و وقتی منعقد می‌شود که برای تشکیل آن از قبل ترتیباتی از طرف بانیان و برپاکنندگان اجتماع داده شود و هدفی مبتنی بر منافع عمومی در آن حاکم باشد

(طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۲: ۵۹).

آزادی اجتماعات یکی از آزادی‌های اساسی است و آن عبارت است از این‌که افراد بتوانند آزادانه و به‌طور مسالمت‌آمیز دور هم گرد آیند و از افکار و عقاید یکدیگر بهره‌گیرند و هیچ‌گونه مانع و رادعی برای تجمع آن‌ها در بین نباشد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۲: ۹۱).

در مجموع، تمام تعاریفی که در خصوص آزادی اجتماعات در فوق عنوان گردید، به نظر می‌رسد که این تعریف نسبت به تعاریف ارائه‌شده مناسب‌تر باشد: آزادی اجتماعات یعنی این‌که افراد آزاد هستند آگاهانه، عامدانه و به‌صورت مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر به‌طور موقت و بدون هراس از مداخله دولت، برای رسیدن به اهداف خاصی در زمینه‌های مختلف گرد هم آیند و به بیان خواسته‌های خود از این طریق بپردازند (اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۵).

با توجه به اوصاف آگاهانه‌بودن، عامدانه‌بودن، سازمان‌یافته‌بودن، هدفمندبودن و موقت‌بودن اجتماعات، دریافت می‌گردد که شیوه‌های رسیدن به اهداف خاص در اجتماعات ممکن است به‌صورت یکی از مصادیق زیر باشد:

۱. رایزنی و هماهنگی برای رسیدن به عقیده مشترک؛

۲. دفاع از منافع مشترک؛

۳. اعلام و بیان عقاید؛

۴. اعتراضات.

## بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

آزادی اجتماعات از جمله آزادی‌هایی است که تنها منحصر به شهروندان یک کشور نیست؛ بلکه هر فردی که داخل در قلمرو کشوری باشد که آن کشور عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یا اسنادی با مفاد مشابه باشد، با رعایت مقررات قانون آن سرزمین، می‌تواند از مزایای این آزادی استفاده کند (اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۶). طوری که ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر اصل عدم تبعیض در بهره‌مندی از تمام حقوق و آزادی‌های مندرج در این میثاق اشاره دارد؛ بنابراین، آزادی اجتماعات زمانی محقق می‌شود که شهروندان بتوانند آزادانه و بدون هیچ‌نوع مانع و محدودیتی از جانب زمامداران سیاسی گرد هم جمع شوند و به‌صورت مسالمت‌آمیز به‌منظور دفاع از منافع مشترکشان، به تبادل افکار، عقاید و دیدگاه‌های خویش بپردازند و از عقاید و افکار همدیگر بهره‌مطلوب را کسب نمایند. چون در این نوع اجتماعات

معمولاً هدف اطلاع‌رسانی و آگاهی از نظرات هم است، به این خاطر این اجتماعات به صورت موقت انجام می‌شود و پس از تبادل و ابراز عقاید همدیگر پراکنده می‌شوند.

برای این که آزادی اجتماعات با آزادی تشکیلات اشتباه گرفته نشود، گروهی از اندیشمندان، آزادی اجتماعات را به دو دسته تقسیم نموده‌اند که عبارتند از: آزادی اجتماعات موقت یا آزادی اجتماع عمومی و آزادی اجتماعات غیر موقت یا آزادی انجمن‌ها و جمعیت‌ها (اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۶). دلیل این تقسیم‌بندی به علت موقت بودن یا غیر موقت بودن این مجامع است. به این ترتیب، موقت بودن و دائمی بودن نکات مهمی‌اند که وجوه افتراق این دو مقوله را نیز تشکیل می‌دهند. هم‌چنین هدفمند بودن، موقت بودن و سازمان‌یافته بودن، مؤلفه‌های مشترک آزادی اجتماعات و تشکیلات می‌باشند که در زیر به صورت مختصر توضیح داده می‌شوند.

## ۲-۱. مؤلفه‌های آزادی اجتماعات

با در نظر داشت تقسیم‌بندی‌هایی که صورت گرفت، آزادی اجتماعات دارای یک سلسله عناصری است که مؤلفه‌های بنیادین این آزادی را تشکیل داده و آن را از سایر آزادی‌ها متمایز می‌سازد. آزادی اجتماعات دارای سه ویژگی اساسی زیر است که هم در مجامع مسالمت‌آمیز و هم در تظاهرات که از مصادیق اصلی آزادی اجتماعات هستند، موجود می‌باشد.

### ۲-۱-۱. سازمان‌یافته بودن

سازمان‌یافته بودن اجتماع دارای عناصری؛ از قبیل عمدی بودن، دارای برنامه بودن، دعوت قبلی داشتن، دارا بودن بنیانی برای نظم و ترتیب و تدوین برنامه‌های اجتماعات می‌باشد (اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۹)؛ یعنی زمانی که افراد در یک اجتماع شرکت می‌جویند، شرکت‌شان باید آگاهانه و مبتنی بر اراده خودشان باشد ولو این که با انگیزه‌های متفاوت باشد. برای این که یک اجتماع به اهدافی که می‌خواهد برسد، باید دارای برنامه‌ای از قبل طرح شده و سازمان‌دهندگانی باشد تا به اجتماع‌کنندگان نظم و ترتیب ببخشد.

### ۲-۲-۱. هدفمند بودن

آنچه برای اجتماع‌کنندگان موضوعیت دارد، اهداف خاص است (اسلامی، ۱۳۹۴: ۳۱). هر اجتماعی دارای هدف خاصی است که برپاکنندگان آن اجتماع برای محقق شدن آن گرد هم جمع

می‌شوند؛ یعنی این هدف نقطه مشترک فکری و تجمع افراد را تشکیل می‌دهد. ماهیت این هدف می‌تواند ابعاد و موضوعات مختلف از جمله اهداف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حزبی، صنفی، مذهبی و ... را دربرگیرد (اسلامی، ۱۳۹۴: ۳۰).

آزادی اجتماعات ضمن این‌که یک حق بشری است، وسیله‌ای برای مطالبات و تحقق سایر حقوق نیز می‌باشد؛ چون تبادل اندیشه‌ها، تفکرات و کسب اطلاعات و آگاهی از عقاید یکدیگر، رسیدن به مواضع، افکار و اهداف مشترک، اعلام و بیان این اهداف و عقاید مشترک و در نهایت دفاع از آن و حتی اعتراض (اسلامی، ۱۳۹۴: ۳۱) شیوه‌هایی‌اند که شهروندان را در رسیدن به هدف مزبور یاری می‌رسانند.

### ۳-۲-۱. موقت بودن

وصف موقت بودن، تعیین‌کننده‌ترین شاخصه اصلی برای آزادی اجتماعات است. این ویژگی، آزادی اجتماعات را از آزادی تشکیلات که یک اجتماع دائمی است، جدا می‌کند (اسلامی، ۱۳۹۴: ۳۱).

موقت بودن مهم‌ترین معیاری است که می‌توانیم بر مبنای آن آزادی اجتماعات را از آزادی تشکیلات تمیز دهیم. چون تشکیلات یک اجتماع دائمی است؛ در حالی که اجتماعات نوعی همایش گروهی و موقتی است که دارای شخصیت حقوقی نبوده و اجتماع‌کنندگان پس از کسب آگاهی از افکار و عقاید همدیگر و یا اعتراضات و دفاع از منافع مشترک‌شان پراکنده می‌شوند. قابل ذکر است که؛ موقت بودن دارای معنای عرفی است و طول زمان اجتماع بر اساس قواعد عرفی تعیین می‌شود؛ لذا اجتماعات طولانی مانند تحصن نامحدود و نافرمانی مدنی و امثال آن که انتهای زمانی اجتماع نا مشخص است، ممکن است در محدوده آزادی قرار نگیرد (اسلامی، ۱۳۹۴: ۳۲).

## ۲. ضمانت‌های حقوقی و قانونی برای حمایت از آزادی اجتماعات

### ۲-۱. ضمانت‌های قانونی آزادی اجتماعات در اسناد ملی

دولت‌ها متعهدند تا برای تأمین آزادی اجتماعات شهروندان، تدابیر لازم را اتخاذ نمایند. مبتنی



بر اسناد بین‌المللی، دولت‌ها دارای سه نوع تعهد می‌باشند.

۱. تعهد به رعایت و احترام حق آزادی اجتماعات: بر اساس این تعهد، دولت‌ها مکلف‌اند که از دخالت و ایجاد محدودیت در برخورداری شهروندان از حق آزادی اجتماعات پرهیز کنند و هم‌چنان دولت‌ها به اقداماتی دست نزنند که مانع استیفای شهروندان از این حق شود.

۲. تعهد به تضمین و حمایت: دولت‌ها در عین حالی که برای برخورداری شهروندان از این حق زمینه‌سازی می‌کنند، مکلف هستند که از اشخاص و گروه‌هایی که می‌خواهند از این حق خود مستفید شوند، حمایت کنند و با طرف سوم که مانع آزادی اجتماعات می‌شود، برخورد قانونی کنند.

۳. تعهد به اجرا یا تعهد به ایفا: بر اساس این تعهد، دولت‌ها ملزم هستند که اقدامات لازم را برای تأمین محتوای حق آزادی اجتماعات اتخاذ بکنند (کمیسیون حقوق بشر افغانستان: <http://www.aihrc.org.af/home/daily-reports/5989>).

بر اساس ماده ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، آزادی به‌عنوان حق طبیعی تمام شهروندان به‌صورت زیر به رسمیت شناخته شده و دولت به حمایت از این آزادی مکلف گردیده است: آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می‌گردد، حدودی ندارد.

آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد (قانون اساسی جمهوری اسلام افغانستان، ۱۳۸۲: ماده ۲۴). بند یک ماده سوم قانون اجتماعات و تظاهرات افغانستان، اجتماع را چنین بیان می‌کند: اجتماع عبارت است از گردهم‌آیی بیش از سی نفر به‌طور منظم و علنی در حالت توقف در محل عام، به غرض جلب افکار عامه، به‌منظور مخالفت یا طرفداری اهداف معین که در آن اشخاص آزادانه اشتراک کرده بتوانند (قانون اجتماعات و تظاهرات افغانستان، ۱۳۸۱: ماده ۳).

هم‌چنان به موجب ماده ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، شهروندان حق دارند برای تأمین اهداف مشروع و صلح‌آمیز، با پرهیز از حمل سلاح، در محدوده قانون، اقدام به گردهمایی‌ها، تجمعات موقتی و دائمی بکنند و تظاهرات و راهپیمایی برگزار نمایند و در قالب اعلامیه و سخنرانی اعلام مواضع بکنند. این ماده چنین صراحت دارد: اتباع افغانستان حق دارند



برای تأمین مقاصد جایز و صلح‌آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون اجتماع و تظاهرات نمایند (قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، ۱۳۸۲: ماده ۳۶).

حق اجتماعات در ماده دوم قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات چنین آمده است: اتباع کشور حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح‌آمیزی که منافی وحدت ملی و قانون اساسی نباشد، بدون حمل سلاح، مطابق احکام این قانون، اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات را راه‌اندازی نمایند (قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات افغانستان، ۱۳۸۱: ماده ۲).

در رابطه با دخالت نیروهای امنیتی در ماده ۱۷ این قانون تصریح گردیده است که ارگان‌های امنیتی نمی‌توانند به جبر و اکراه در اجتماعات، اعتصابات و صفوف تظاهرکنندگان، داخل و نظم آن‌ها را برهم زده، زمینه تشدد و برخورد را فراهم نمایند. که در همه مواد به حفظ از حقوق آزادی اجتماع‌کنندگان تأکید گردیده است (قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات افغانستان، ۱۳۸۱: ماده ۱۷).

## ۲-۲. ضمانت‌های حقوقی آزادی اجتماعات در اسناد بین‌المللی

حق آزادی اجتماعات یکی از مهم‌ترین حقوقی است که در نظام بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده و درج اسناد بین‌المللی حقوق بشر گردیده است؛ چنانچه ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر صراحت دارد:

### بنیاد اندیشه

هرکس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد. هیچ‌کس را نمی‌توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸: ماده ۲۰).

هم‌چنان این حق در ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین تصریح گردیده است: حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته می‌شود. اعمال این حق تابع هیچ‌گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد جز آنچه بر طبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی، یا ایمنی عمومی، یا نظم عمومی، یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی، یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶: ماده ۲۱).

هم‌چنین در بند ۴ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزادی افراد برای تشکیل اجتماعات

به منظور دفاع از منافع مشترکشان به صورت زیر مورد شناسایی قرار گرفته است:

هرکس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه‌ها شرکت کند (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸: ماده ۲۳).

حق آزادی اجتماعات در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر نیز به رسمیت شناخته شده است که در زیر به چند سند مهم می‌پردازیم. این حق در ماده ۱۶ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر چنین درج گردیده است:

هرکس حق دارد با اهداف اعتقادی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، کاری، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و سایر اهداف به طور آزادانه اجتماعاتی را تشکیل دهد (کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ۱۹۶۹: ماده ۱۶).

به همین شکل، حق مزبور در ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به طور زیر تسجیل گردیده است:

هرکس حق آزادی مجامع و حق آزادی برگزاری اجتماع مسالمت‌آمیز و مشارکت با دیگران را دارد. این حق شامل تشکیل یا پیوستن به اتحادیه‌های صنفی برای حمایت از منافع شخص است (کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ماده ۱۱، <http://rightspaper.com/article>).

و نیز منشور آفریقایی حقوق بشر حق آزادی اجتماعات را به شرح زیر به رسمیت شناخته است: هر فرد حق اجتماع آزادانه با دیگران را دارد. اعمال این حق فقط مقید به محدودیت‌های ضروری معین شده در قانون و مقررات به خصوص قوانین مصوب در جهت حفظ منافع ملی، امنیتی، بهداشتی، اخلاقی یا مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران است (منشور آفریقایی حقوق بشر، ۱۹۸۱: ماده ۱۰، <http://rightspaper.com/article>).

### ۳. محدودیت‌های آزادی اجتماعات

آزادی در تعریف موسع به این معنا است که انسان آزاد است هر کاری را که اراده کند، می‌تواند انجام دهد و هیچ نوع مانع و محدودیتی را نمی‌پذیرد. اما واقعیت این است که چون

انسان در جامعه بشری و به صورت جمعی زندگی می‌نماید، بناءً نمی‌تواند به صورت مطلق آزادی عمل داشته باشد و هر عملی را که خواسته باشد، انجام دهد؛ بنابراین، برای این که عدالت در جامعه تأمین شود، آزادی‌های انسان در حوزه زندگی اجتماعی توسط یک سلسله اصول قانونی و اخلاقی محدود می‌گردد. به این خاطر است که در بحث آزادی اجتماعات به عنوان یک حق بشری ما شاهد تقابل دو امر مهم هستیم. از یک طرف آزادی اجتماعات از جمله حقوق طبیعی شهروندان می‌باشد و از جانب دیگر دولت‌ها مکلف‌اند تا برای تأمین این حقوق نظم را در جامعه استقرار ببخشند. برای ایجاد سازش میان این دو مهم و هم‌چنین حفظ کرامت انسانی، آزادی‌های انسان محدود گردیده است؛ آزادی‌های که برای انسان هم در اسناد بین‌المللی و هم در قوانین داخلی کشورها به رسمیت شناخته شده است.

نظم و مصالح عمومی، اخلاق جامعه و عدم تعدی به حقوق و آزادی‌های دیگران (اسلامی، ۱۳۹۴: ۱۸۶)، مهم‌ترین مؤلفه‌هایی‌اند که آزادی‌های بشر را محدود می‌کند. اولین سند مهم و حقوق بشری که مسئولیت افراد را در برابر جامعه مورد تأکید قرار داده و آن را در قالب قواعد حقوقی درآورده است، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که ماده ۲۹ آن در زمینه محدودیت آزادی افراد بشر چنین صراحت دارد: هرکس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد. هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون، منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸: ماده ۲۹). این ماده علاوه بر این که افراد را تشویق می‌کند تا جهت ارتقای جامعه این محدودیت‌ها را رعایت کند، هدف اصلی آن این است تا دولت‌ها را مهار نماید که از وضع قیودات و محدودیت‌های بیش از موارد تعیین شده بپرهیزند. محدودیت‌های زیر به صورت مشابه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر برای آزادی اجتماعات به رسمیت شناخته شده است.

- حفظ امنیت ملی؛
- حفظ و برقراری نظم عمومی؛
- حفاظت از بهداشت عمومی؛
- حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی؛

- حفظ و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران (اسلامی، ۱۳۹۴: ۱۸۷).

قابل یادآوری است که اصل بر آزادی انسان است؛ یعنی آزادی اجتماعات پیش از هر چیز یک حق بشری است و وضع محدودیت‌ها بر آن یک امر استثنایی می‌باشد. این امر در نوع نگاهی که قانون‌گذاران بین‌المللی و قانون‌گذاران قانون اساسی افغانستان نسبت به این مهم داشته‌اند، آشکار است؛ یعنی هر دو دسته از قانون‌گذاران ابتدا به آزادی اجتماعات به حیث حق نگریسته و سپس برای آن محدودیت‌هایی را در نظر گرفته‌اند. به این ترتیب، نمی‌توان هر نوع فشار و اجبار و محدودیت اجتماعی را نامطلوب قلمداد نمود؛ چرا که اگر همین محدودیت‌ها و الزامات نباشد، بسیاری از آزادی‌های اجتماعی نیز در عرصه عمل قابل تحقق نخواهد بود (اسلامی، ۱۳۹۴: ۱۹۸). اما وضع این محدودیت‌ها باید تابع یک سلسله اصولی انجام شود. اصولی که برای اعمال محدودیت‌ها در اسناد بین‌المللی حقوق بشر جای گرفته‌اند، عبارت از: اصل عدم تبعیض در اعمال محدودیت‌ها، اصل ضرورت یا علل موجه اعمال محدودیت، اصل تناسب، اصل حسن نیت و تأمین هدف مشروع از اعمال محدودیت (اسلامی، ۱۳۹۴: ۱۸۷). می‌باشند.

بنابراین، آزادی‌های انسان در حوزه اجتماعی، مستلزم قواعد، هنجارها و محدودیت‌هایی است که وضع و رعایت این محدودیت‌ها به خیر و مصالح اکثریت اعضای جامعه است. در زیر انواع محدودیت‌هایی را که در اسناد ملی و بین‌المللی برای آزادی اجتماعات به رسمیت شناخته شده است، می‌آوریم.

### ۱-۳. نظم عمومی

از مفهوم نظم عمومی برداشت‌های گوناگونی وجود دارد. دلیل آن این است که دو مقوله نظم عمومی و امنیت ملی از حدود و ثغور معینی برخوردار نبوده و همین امر، راه سوءاستفاده را برای حکومت‌های خودکامه در طول تاریخ هموار کرده است (اسلامی، ۱۳۹۴: ۱۹۹).

با وجودی که زمینه تفسیر گوناگون از عدالت و انصاف وجود دارد؛ اما می‌توان آن‌ها را به‌عنوان معیارهای تعیین حدود آزادی‌ها برشمرد. نظم عمومی یک مفهوم ثابت نیست (اسلامی، ۱۳۹۴: ۱۹۹)؛ یعنی در زمان و مکان و جوامع مختلف با فرهنگ‌ها، آداب و رسوم و اندیشه‌های مذهبی متنوع، از نظم عمومی نیز تعریف و تفسیر متفاوت ارائه می‌گردد؛ مثلاً عناصر اخلاق نظم عمومی در یک جامعه دینی متفاوت از عناصری است که در یک جامعه غیر دینی (لائیک) برای

نظم عمومی قلمداد می‌گردد.

طبق اصول سیراکوزا، نظم عمومی به مجموعه قواعد که کارکرد جامعه را تضمین می‌کند یا دسته‌ای از اصول بنیادین که جامعه بر پایه آن بنا شده است، گفته می‌شود و رعایت حقوق بشر نیز بخشی از نظم عمومی و یکی از عناصر آن می‌باشد؛ مثلاً حق دادخواهی مردم و حق مراجعه به مقامات قضایی، یک قاعدهٔ مربوط به نظم عمومی و یک فعل است و به هر شکلی که ممانعتی در اجرای این حق صورت گیرد، نظم عمومی نقض و یک ترک فعل صورت گرفته است (اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۰۰).

چون تنظیم آزادی‌ها و وظیفهٔ دولت است، بنابراین، هم افراد و هم دولت مکلف‌اند تا به‌منظور تضمین حقوق و آزادی‌های بشری در جامعه، قوانین و مقررات حاکم در جامعه را رعایت نمایند؛ چون رعایت این موازین در استحکام بیش‌تر نظم عمومی کمک می‌کند.

### ۳-۲. امنیت عمومی

داشتن امنیت جانی و مالی، یکی از حقوق بشری همهٔ انسان‌ها است. به این خاطر، دولت مکلف است به‌منظور تأمین امنیت شهروندان، تدابیر لازم را اتخاذ نموده و از مواردی که امنیت عمومی را تهدید می‌کند، جلوگیری به‌عمل آورد.

آنچه در بحث آزادی اجتماعات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و قانون افغانستان نیز آن را ممنوع قرار داده است، حمل سلاح می‌باشد؛ چون حمل سلاح و سایر اقدامات خشونت‌آمیز می‌تواند امنیت عمومی و جان شهروندان و اجتماع‌کنندگان را به مخاطره اندازد؛ بنابراین، هر اجتماعی که امنیت عمومی را به خطر اندازد، مورد حمایت نبوده و از محدودیت‌های آزادی اجتماعات است (اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۰۱). دلیل این مدعا، مادهٔ ۳۶ قانون اساسی افغانستان است که چنین صراحت دارد: اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح‌آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون، اجتماع و تظاهرات نمایند (قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، ۱۳۸۲: مادهٔ ۳۶).

### ۳-۳. امنیت ملی

امنیت از آرمان‌هایی است که همیشه انسان به‌دنبال آن بوده است. به این خاطر، یکی از



محدوده‌های مهم آزادی اجتماعات، امنیت ملی است. امنیت از لحاظ لغوی معانی در امان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی را افاده می‌کند (عمید، ۱۳۸۱: ۲۷۵)؛ اما در معنای عام، امنیت به معنایی نبود هرگونه خطر، تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله می‌باشد (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۸). امنیت ملی حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی و خاک خود به سر ببرد و یا اطمینان خاطر برای دولت و شهروندان مبنی بر این‌که تمامیت سرزمینی آن‌ها در معرض تهدید داخلی یا خارجی قرار ندارد (سلامی، ۱۳۹۴: ۲۰۲). امنیت ملی به این معنا، یکی از وظایف اساسی دولت است که با تأمین آن هم دولت از تهدید و خطرات مصون می‌باشد و هم زمینه دسترسی شهروندان به حقوق و آزادی‌های‌شان مساعد می‌گردد.

چنانچه گفته شد، آزادی و امنیت اکثراً باهم در تقابل قرار دارند. به این خاطر، ایجاد موازنه و تعادل منطقی میان این دو در پویایی جامعه و مهار مستبد شدن نظام‌های سیاسی کمک می‌کند. از نظر آستین رنی، در یک جامعه آزادی‌خواه، اغلب شهروندان نه مایل به قربانی کردن امنیت برای دست‌یابی به آزادی مطلق هستند و نه مایل به دست‌کشیدن از تمامی آزادی برای دست‌یابی به امنیت کامل (اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۰۲)؛ بنابراین، می‌توان گفت که دست‌یابی به آزادی بدون تأمین امنیت ممکن نیست. در این‌جا منظور از امنیت این است که امنیت جسمانی اجتماع‌کنندگان و سایر شهروندان به خطر نیفتد، نه این‌که دولت به‌خاطر هراسی که از به نقد کشیده شدن دارد، آزادی اجتماعات را محدود سازد و همان‌گونه اجتماعی که به امنیت ملی آسیب برساند، مورد حمایت نیست. به همین ترتیب، حکومت‌ها نیز نمی‌توانند به بهانه امنیت ملی و به‌صورت مبهم، مانند تشویش اذهان عمومی و تضعیف پایه‌های حکومت (اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۰۳)، اجتماع شهروندان را مغایر امنیت ملی قلمداد نموده و مانع آن شوند.

#### ۴-۳. اخلاق عمومی

با وجودی که اخلاق عمومی یکی از محدوده‌های مهم آزادی اجتماعات به حساب می‌آید؛ اما برداشت واحد و یکسان از مفاهیم اخلاقی و مذهبی امری دشوار است.

طبق این تعریف از اخلاق عمومی که ارزش‌گذاری بر آن رفتارهای اجتماعی که از دیدگاه اجتماع فضیلت محسوب می‌شوند و یا ارتکاب آن رفتارهای اجتماعی که از دیدگاه اجتماع



رذیلت تلقی می‌گردد (اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۰۴)، روشن می‌شود که معیار واحدی برای فضیلت و یا رذیلت‌دانستن یک رفتار وجود ندارد. چون اخلاق عمومی در یک جامعه به صورت کامل از یک سنت، آیین، آداب و رسوم و مذهب خاصی گرفته نشده است؛ بلکه برگرفته از مجموع این سنت‌ها و آداب است که در طول زمان مورد قبول و عمل افراد یک جامعه واقع شده است (اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۰۴)؛ بنابراین، اخلاق عمومی به عنوان یک امر سیال در ازمنه‌های مختلف از یک جا تا جای دیگر قابل تغییر می‌باشد.

### ۳-۵. بهداشت یا صحت عمومی

بهداشت و یا صحت عمومی نیز به نوبه خود یکی از دلایلی است که دولت می‌تواند مبتنی بر آن آزادی‌های افراد را محدود سازد. بر مبنای اصول سیراکوزا، دولت اجازه می‌یابد تا اقداماتی را برای مقابله با تهدید جدی علیه سلامت جمعیت یا اعضای جامعه به انجام برساند (اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۰۵). قابل ذکر است که اقدامات محدودکننده‌ای که در این زمینه از جانب دولت گرفته می‌شود، باید به هدف پیش‌گیری از بیماری یا آسیب و یا فراهم کردن امکانات مراقبت برای بیمار یا آسیب‌دیده باشد؛ مثلاً دولت می‌تواند برای فردی که مبتلا به بیماری واگیردار و خطرناک می‌باشد که در صورت بر خورداری از آزادی اجتماعات و حضور یافتن در اجتماع باعث شیوع بیماری شده و صحت و سلامت عمومی را به خطر مواجه می‌سازد، محدودیت ایجاد نماید؛ چون شرکت این فرد مبتلا به مرض، تهدید جدی علیه سلامت دیگران و نقض حق صحت سایر افراد جامعه شمرده می‌شود. در چنین وضعیتی، ممکن است آزادی فرد مریض برای مدت کوتاه و یا طولانی محدود گردد.

### ۳-۶. حقوق و آزادی‌های دیگران

بر بنیاد ماده ۲۴ قانون اساسی کشور، آزادی سایر شهروندان یکی از محدوده‌های عمده آزادی در نظر گرفته شده است. اگر تمام شهروندان خود را مکلف بدانند که از آزادی‌های خود علیه نقض آزادی دیگران استفاده ننمایند، بدون شک ما شاهد جامعه‌ای خواهیم بود که در آن علاوه بر شکوفایی استعدادهای انسانی، مجالی برای نقض حقوق و آزادی‌های بشری شهروندان نخواهد بود؛ چون یکی از موضوعاتی که در نظام حقوق بشر مورد بحث قرار می‌گیرد، موضوع تزامم حق‌ها است (اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۰۶)؛ یعنی افراد مجازند که از حق آزادی خود آن طوری

که می‌خواهند، بهره گیرند؛ اما با در نظر داشت این که چون فرد در درون جامعه با سایر شهروندان زندگی می‌نماید، نباید استیفای این حق باعث نقض حقوق و آزادی‌های دیگران گردد.

### ۷-۳. عدم حمل سلاح

علاوه بر محدودیت‌های فوق که در ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح گردیده است، عدم حمل سلاح محدودیت ویژه‌ای است که در ماده ۳۶ قانون اساسی و مواد ۲ و ۲۲ قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات در افغانستان نیز مورد شناسایی قرار گرفته است. در ماده ۳۶ قانون اساسی آمده است که اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح‌آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون، اجتماع و تظاهرات نمایند (قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، ۱۳۸۲: ماده ۳۶).

حمل سلاح در تجمعات و راهپیمایی‌ها مغایر اهداف روش‌های مدنی برای مطالبه خواست شهروندان بوده و دلالت بر غیر مسالمت‌آمیز بودن اجتماعات دارد؛ چون حمل سلاح سبب می‌شود که تجمعات وصف مسالمت‌آمیز بودن خود را از دست داده و منجر به تهدید و به خطر افتادن و حتی نقض امنیت عمومی و جان سایر شهروندان شود.

اساساً اجتماعی که شرکت‌کنندگان آن، اسلحه حمل یا از آن استفاده کنند، از حمایت بین‌المللی نیز برخوردار نبوده و حتی دولت‌ها و نیروی پلیس اجازه دارند تا با این‌گونه تجمعات با رعایت موازین بین‌المللی حقوق بشر برخورد نمایند؛ بنابراین، اقدام و تجمعاتی که با خود سلاح حمل می‌کنند، خشونت‌آمیز بوده و مورد حمایت اسناد ملی و بین‌المللی قرار نگرفته است.

این نکته نیز قابل یادآوری است که یکی از نهادهایی که در تأمین و نقض آزادی اجتماعات نقش و مسئولیت کلیدی دارد، پلیس است. به این خاطر، در اکثر نظام‌های حقوقی برای برگزاری اجتماعات، اجتماع‌کنندگان باید قبلاً به اداره پلیس اطلاع دهند. این نکته در ماده هفتم قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات در افغانستان نیز درج گردیده است؛ یعنی اجتماع‌کنندگان مکلف‌اند که بیست و چهار ساعت پیش از راه‌اندازی اجتماعات، پلیس محل را به‌صورت کتبی مطلع سازند. این امر به دو دلیل مهم زیر انجام می‌شود:

۱. تأمین امنیت اجتماع‌کنندگان؛

۲. مهار ترافیک، عبور و مرور و نظم عمومی (اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۱۵).

به همین خاطر است که برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها گاهی منوط به درخواست و دریافت مجوز از سوی مقامات ذی صلاح است تا آن‌ها برای پیش‌گیری از بروز حوادث ناگوار و ناگهانی، آمادگی لازم را داشته باشند.

## نتیجه‌گیری

آزادی اجتماعات، یکی از حقوق بشری شهروندان است که هم در اسناد ملی و هم در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار گرفته است. این آزادی به مثابه ستون پایه‌ای است که زمینه دسترسی به آزادی عمل را در سایر امور زندگی فراهم ساخته و زمینه رشد و شکوفایی هر فرد را در یک جامعه انسانی تضمین می‌نماید و هر فرد بدون هیچ‌گونه تهدید و نگرانی می‌تواند در جامعه به صورت آزادانه به فعالیت بپردازد.

سازمان یافته‌بودن، هدفمندبودن و موقت‌بودن، بارزترین مؤلفه‌هایی اند که آزادی اجتماعات را از سایر آزادی‌ها متمایز می‌سازد.

هم‌چنین استیفای این حق توسط یک سلسله عوامل محدود گردیده است که عمده‌ترین عوامل محدودکننده آزادی اجتماعات عبارت از عدم تعدی به کرامت، حقوق و آزادی‌های دیگران، به خطر انداختن نظم عمومی، امنیت عمومی، امنیت ملی، اخلاق عمومی، بهداشت یا صحت عمومی و عدم حمل سلاح می‌باشند.

همان‌طوری که افراد نمی‌توانند به صورت مطلق از آزادی‌های خویش استفاده نموده و با حمل سلاح و ایجاد تهدیداتی علیه نظم، سلامت، امنیت و آزادی‌های دیگران، تهدیداتی را خلق نمایند، دولت نیز نمی‌تواند به هر بهانه‌ای آزادی اجتماعات را محدود سازد؛ مگر این‌که وضع این محدودیت‌ها مبتنی بر احکام قانون انجام شود. از این‌که نهاد پلیس به صورت مستقیم در تأمین امنیت اجتماع‌کنندگان مسئولیت دارد، بنابراین، اجتماع‌کنندگان نیز ملزم‌اند تا قبل از تجمعات، به این نهاد اطلاع دهند. به همین خاطر است که در اکثر نظام‌های حقوقی، اطلاع قبلی به پلیس مورد شناسایی قرار گرفته است. این مورد در ماده هفتم قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات در افغانستان نیز درج گردیده است که اجتماع‌کنندگان مکلف شده‌اند که بیست و چهار ساعت

پیش از راه‌اندازی اجتماعات، پلیس محل را به‌صورت کتبی مطلع سازند.

## منابع

۱. اسلامی، رضا (۱۳۹۴)، آزادی اجتماعات در نظام بین‌المللی حقوق بشر و سیستم حقوقی ایران، تهران، انتشارات مجد.
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸.
۳. انسان‌دوست، محمدصابر (۱۳۹۳)، گزیده‌ای از موضوعات حقوق بشر، کابل، انتشارات سعید.
۴. انوری، حسن (۱۳۸۲)، فرهنگ فشرده سخن، تهران، انتشارات سخن.
۵. آشوری، داریوش (۱۳۸۷)، دانش‌نامه سیاسی؛ فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی، تهران، انتشارات مروارید.
۶. سایت روزنامه افغانستان: [http://dailyafghanistan.com/opinion\\_detail.php?post\\_id=128494](http://dailyafghanistan.com/opinion_detail.php?post_id=128494)
۷. سایت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان <http://www.aihrc.org.af/home/daily-reports/5989>
۸. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۲)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸)، مبانی حقوق بشر در اسلام و دنیای معاصر، تهران، انتشارات مجد.
۱۰. عمید، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۱. قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات افغانستان، مصوب سال ۱۳۸۱.
۱۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب سال ۱۳۸۲.
۱۳. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ۴ نوامبر ۱۹۵۰.
۱۴. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، مصوب سال ۱۹۶۹.
۱۵. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر همراه.
۱۶. منشور آفریقایی حقوق بشر ۱۹۸۱.
۱۷. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶.
۱۸. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان.